

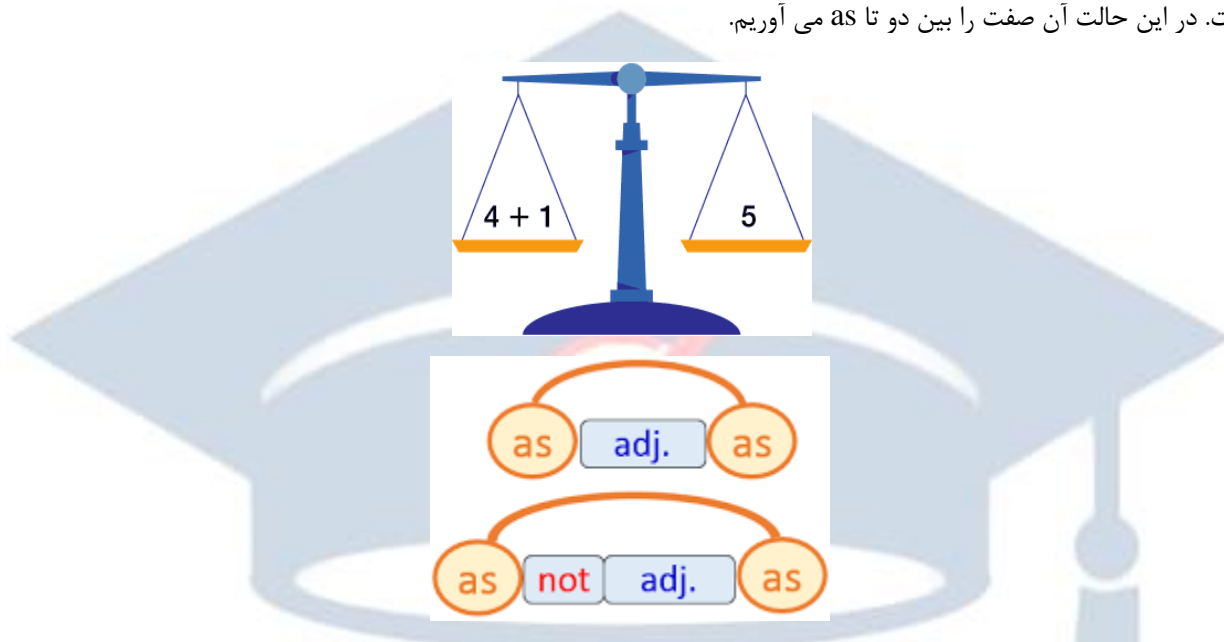
نکات ترجمه

Lesson 1

مقایسه صفات

1- حالت تساوی

کلمه **as** کاربردهای گوناگونی در زبان انگلیسی دارد. یکی از مواردی که بسیار از این کلمه استفاده میشود مقایسه یک صفت خاص بین دو چیز یا دو شخص است. هرگاه دو نفر یا دو چیز یا دو گروه در یک صفت برابری کنند، مقایسه صفت از درجه مطلق یا تساوی است. در این حالت آن صفت را بین دو تا as می آوریم.



I am 15 years old. My brother is 15 years old. = I am as old as my brother.

These shoes are size 36. Those shoes are size 36. = These shoes are as large as those shoes.

- در جملات منفی میتوان as قبل از صفت را به so تبدیل کرد.

She is not so kind as her mother. = she is not as kind as her mother.

- میتوان ضمائر مبهم much و many را به تنهایی بین دو as آورد:


I ate as much as I could.

There were as many as 200 people at the lecture.

- اگر بخواهیم بین دو as اسم بیاوریم، قبل از اسم آوردن much یا many ضرورت دارد.

I have not got as much money as I thought.

I don't know as many people as you.

 **تمرین:** جملات زیر را ترجمه کنید.

1-It is stated that most people value their feet as much as other organs.

2-Estimates vary, but experts suggest that as many as 5.1 million Americans may have AD.

3-As many as 840 million people do not have electricity.

4-Studies have shown that biofeedback can be just as effective as some of preventive medications we use.

5-Antimicrobial wipes or towelettes, although as effective as soap and water, are not as good as alcohol-based sanitizers.

- میتوان قبل از دو as از کلمات) twice (دو برابر) three times (سه برابر)، و half..... (نصف)، a quarter (یک چهارم) و استفاده کرد.

Their house is about three times as big as ours.

You are half as clever as you think you are.

| | | | |
|------|----------|---------|---------------|
| Half | نصف- نیم | Quarter | ربع- یک چهارم |
|------|----------|---------|---------------|

- The same + (noun)+ as نیز برای مقایسه دو چیز مشابه به کار میرود.

The weather today is the same as yesterday.

My hair is the same color as yours.

David is the same age as James. = David as old as James.

سایر کاربردهای as

- As به عنوان حرف اضافه:

برای توصیف ظاهر شخص یا چیزی استفاده میشود:

They were all dressed as clowns.

برای توصیف شغل یا سمت شخص:

She works as a teacher.

- به عنوان کلمه ربط:

1- به معنی همزمان یا زمانی که:

He was eating as they were playing football.


2- به معنی همانطوری که:

They did the job as I had asked.

3- برای بیان علت به معنی به دلیل:

As I was sick I didn't go to work.

| | | | |
|------------------|---------|---------------|-------------|
| As against sth | برخلاف | As for sb/sth | در رابطه با |
| As if /As though | گویی که | As regard sth | در رابطه با |

 **تمرین:** جملات زیر را ترجمه کنید.

As if these public health challenges were not enough, there are also the threats arising from a range of diverse concerns.

In an allergic reaction, the immune system starts fighting substances that are usually harmless as though these substances were trying to attack the body.

2-درجه تفضیلی و عالی

| | | |
|------------|--------------------------|--------------|
| صفت تفضیلی | Adj+ er+ than | صفت+ تر + از |
| | More/ less+ adj+ than | صفت+ تر + از |
| صفت عالی | Adj+ est | صفت+ ترین |
| | The most/ the least+ adj | صفت+ ترین |

◀ برای بیان دو تغییر همزمان و وابسته به هم از ساختار زیر بهره میگیریم:


The+ adj+er , the+ adj+ er.....

The older I get, the happier I am.

هر چه پیرتر میشوم، خوشحال ترم.

The more dangerous it is, the more I like it.

هرچه خطرناک تر است، بیشتر دوستش دارم.

 **تمرین:** جملات زیر را ترجمه کنید.

The more exercise you do, the better it is.

The more exercise you do, the fewer injuries you get.

صفات بی قاعده

| | | | | | |
|-----------|------------|-------------|-----------------|----------------|----------------------|
| Good | خوب | Better | بتر | The best | بهترین |
| Bad | بد | Worse | بدتر | The worst | بدترین |
| Little | کم | Less | کم تر | The least | کمترین |
| Old | پیر، قدیمی | Older/elder | پیرتر، قدیمی تر | Oldest/ Eldest | پیرترین - قدیمی ترین |
| Much/many | زیاد | More | بیشتر | The most | بیشترین |

Lesson 2

Some/ Too/ Yet

Some 🇮🇷

Some (تعدادی-مقداری) در جملات مثبت و سوالی و با اسامی قابل شمارش جمع و اسامی غیر قابل شمارش به کار میرود. **Some** به معنی تعدادی یا مقداری است و قبل از اسم به کار میرود **Some**. در جملات مثبت به کار میرود. با کلمات قابل شمارش به صورت جمع یا مفرد و با اسامی غیر قابل شمارش به صورت مفرد به کار میرود. با اسامی جمع معنای بعضی، تعدادی یا چند دارد. با اسامی مفرد معنای یک دارد. چنانچه بعد از کلمه **some** عدد بیاید معنای حدودا یا تقریبا دارد.

مثال:

some years ago = چند سال پیش

some research = یک مقاله

some 200 students = حدودا 200 دانش آموز

تمرین: جملات زیر را ترجمه کنید. 🧠

In some cases, more exercise means more damage to the body.

Lying on your back for a prolonged period of time might cause some pain in your back.

Some 200,000 babies are born in the United States each year with deformed bodies.

Some research has shown that it is easier for people to make a comprehensive change in diet and lifestyle.

Too 🚩

کلمه too به معنی بیش از حد زیاد یا بیش از حد کم است.

زمانی که too را پیش از صفت یا قید استفاده کنیم منظور بیش از اندازه بودن آن صفت یا قید است و بار معنایی منفی را میرساند.


He is too young to make a wise decision.

او بیش از حد جوان است برای اینکه تصمیم عاقلانه بگیرد. در اینجا بیش از حد جوان بودن فرد مانع انجام فعل جمله (تصمیم گیری عاقلانه) میشود.

بنابراین در این ساختار فعل (بعد از too) به ظاهر مثبت است اما در حقیقت بیش از حد بودن صفت مانع انجام آن شده است.

Tea is too hot to drink.

چای بیش از حد داغ است که بتوان آن را نوشید. (بیش از حد داغ بودن مانع نوشیدن چای شده است).

 **تمرین:** جملات زیر را ترجمه کنید.

Basically, the biggest problem with obesity is that kids are taking too many calories in their diet.

The incidence of asthma has risen dramatically in the past 20 years - a period too short to reflect any significant changes in the gene pool.

Misinterpretation of physical fitness is too innocent to cause any serious discomfort.

Stress occurs when the demands of a situation are too much to handle.

Yet 🚩

کلمه yet در سه حالت به کار میرود.

1- در انتهای جمله منفی به معنای هنوز

مثال: او هنوز آماده نیست. He is not ready yet.


2- در ابتدای جمله به عنوان کلمه ربط تضاد به معنای اما.

مثال: او نمیداند اما نمیپرسد. He doesn't know yet doesn't ask.

3- Yet+ to+ verb معنای جمله در این ساختار این است که فعل (که پس از yet to) آمده هنوز انجام نشده و در آینده باید انجام شود (انجام خواهد شد).

The main causes of this disease is yet to be identified.

دلایل اصلی این بیماری هنوز کشف نشده اند و در آینده باید شناخته شوند.

 **تمرین:** جملات زیر را ترجمه کنید.

Bananas have a reputation for their potassium content; yet, sweet potatoes actually have more potassium.

Smith says decades of research have yet to lead to clear understanding of its causes or to successful treatments that stop progression.

As for the runny nose that accompanies cold, we don't yet know if it benefits us or viruses.

The elimination of this disease is not yet complete.

Lesson 3

Any- No- Little- Few-

کلمات ربط دوتایی – علت و نتیجه

Any

any در جملات سوالی و منفی به معنی (هیچ) و در جملات مثبت به معنی هر به کار می‌رود.

Do you have any money?

آیا هیچ پولی داری؟

She didn't write any letter to me.

او هیچ نامه ای به من ننوشت.

Any father can visit his son here.

هر پدری میتواند پسرش را ملاقات کند.

کلمه any به معنای هیچ، قبل از اسم (قابل شمارش و غیر قابل شمارش) به کار می‌رود. Any غالباً در جملات سوالی و منفی به کار می‌رود.

مثال:

There is not any water in the glass.

هیچ آبی در لیوان وجود ندارد

کلمه any در جملات مثبت (به ندرت) به معنای هر به کار می‌رود.

I will come anytime and anywhere you like.

من هر زمان و هر کجا که تو دوست داری خواهم آمد.

No

No به معنی هیچ پیش از اسامی قابل شمارش جمع و غیر قابل شمارش به کار می‌رود و جمله ی مثبت را تبدیل به جمله منفی میکند.

I don't have any money= I have no money.

من هیچ پولی ندارم.

کلمه no نیز هم با کلمات قابل شمارش و هم غیر قابل شمارش به کار می‌رود. و اگرچه در جملات مثبت به کار می‌رود ولی معنی منفی به جمله میدهد.

مثال:

There is no car in the garage.

هیچ ماشینی در گاراژ وجود ندارد.

اگر عملی که در گذشته انجام میشده دیگر انجام نشود و یا حالتی که قبلا وجود داشته دیگر وجود نداشته باشد آنگاه از قیود no longer یا anymore استفاده میشود. این دو قید در انتهای جمله منفی به کار میروند.

We don't live in Chicago anymore. ما دیگر در شیکاگو زندگی نمیکنیم.

قید no longer و no more هم به معنای (دیگر نه) می باشند و می توانند در جملات منفی به کار روند. این دو قید قبل از فعل اصلی و بعد از فعل کمکی قرار میگیرند. در این حالت فعل جمله باید مثبت باشد زیرا این دئ قید منفی هستند و خودشان جمله را منفی میکنند.

او دیگر اینجا زندگی نمیکند. He no more lives here.

a few و Few

کلمات few و a few هر دو به معنای کم میباشند، با این تفاوت که کلمه a few بار معنایی مثبت دارد و به موجود بودن چیزی اشاره دارد ولی کلمه few بار معنایی منفی دارد و به نبودن اشاره دارد.


There are a few students in the class.

There are few students in class.

جمله اول به این معنا میباشد: دانش آموزان کمی در کلاس هستند (در این مورد تعداد دانش آموزان بیشتر از صفر تلقی میشود).
جمله دوم به این معناست: دانش آموزی در کلاس نیست (به عبارت دیگر تعداد دانش آموزانی که در کلاس هستند آنقدر کم است که میتوان آنها را نادیده گرفت و گفت کسی در کلاس نیست).

a little و little

کاربرد این دو کلمه نیز مثل few و a few است که توضیح دادیم با این تفاوت که few با اسمهای قابل شمارش و little با اسمهای غیر قابل شمارش به کار میرود.

تمرین: جملات زیر را ترجمه کنید. 

Bananas have a reputation for their potassium content; yet, sweet potatoes actually have more potassium.

Smith says decades of research have yet to lead to clear understanding of its causes or to successful treatments that stop progression.

As for the runny nose that accompanies cold, we don't yet know if it benefits us or viruses.

The elimination of this disease is not yet complete.

کلمات ربط دوتایی

کلمات ربط دوتایی عبارتند از:

Bothand (هم.....هم.....)

Eitheror..... (یا.....یا.....)

Neithernor..... (نه.....نه.....)

Whetherand/or (چه.....چه.....) (آیا.....هست یا نه)

Not onlybut (also)..... (نه تنها..... بلکه (همچنین)

مثال:

he is both ill and weak. = او هم بیمار و هم ضعیف است.

you should choose either this way or that way. = شما باید یا این مسیر یا آن مسیر را انتخاب کنید.

I visited neither my family nor my friends on weekend. = من نه خانواده و نه دوستانم را در تعطیلات ندیدم.

نکته: جملاتی که در آنها neither استفاده میشود ظاهر مثبت دارند اما منفی ترجمه میشوند.

you have to take the pill whether = شما باید دارو را مصرف کنید چه دوست داشته باشید چه دوست نداشته باشید.

you like it or not.

I like to know whether he is ill or not. = میخوام بدانم که آیا او بیمار هست یا نه.

تمرین: جملات زیر را ترجمه کنید.

It is implied that an effective communication involves neither passiveness nor aggression.

Because they see obesity as an illness, these authorities claim that treatment should involve not only diet and exercise but drugs as well.

Other strategies included not only providing mass vaccinations but also isolating patients with active smallpox in order to contain the spread of the disease.

Fats provide the body's best means of storing energy, a far more efficient energy source than either carbohydrates or proteins.

| CAUSE | باعث شدن- منجر شدن به | EFFECT |
|----------|-----------------------|--------|
| Diseases | Cause | Death |
| Diseases | Result in | Death |
| Diseases | Contribute to | Death |
| Diseases | Lead to | Death |
| Diseases | Give rise to | Death |
| Diseases | Account for | Death |
| Diseases | Precede | Death |
| Diseases | Bring | Death |
| Diseases | Bring about | Death |
| Diseases | Bring on | Death |
| Diseases | Are followed by | Death |
| Diseases | Are responsible for | Death |
| Diseases | Are the basis of | Death |
| Diseases | Underlie | Death |
| Diseases | Underpin | Death |

| EFFECT | نتیجه شدن از | CAUSE |
|--------|-----------------------|----------|
| Death | Result from | Diseases |
| Death | Originates from | Diseases |
| Death | Stems from | Diseases |
| Death | Roots from | Diseases |
| Death | Roots in | Diseases |
| Death | Is rooted in | Diseases |
| Death | Follows | Diseases |
| Death | Is preceded by | Diseases |
| Death | Is accounted by | Diseases |
| Death | Is Caused by | Diseases |
| Death | Is the result of | Disease |
| Death | Is the consequence of | Diseases |
| Death | Is because of | Diseases |
| Death | Is due to | Diseases |

استاد: شاهرضا

گروه آموزشی شهید

کنکور 1401

Attribute to= her disease can be attributed to her job.

Doctors attributed her illness to her job.

Attributable to= her illness is attributable to her job.

◀ حروف ربط علت و نتیجه


نوع 1

| | |
|------------------------|-----------------------|
| <i>Because + cause</i> | Effect |
| Effect | <i>Because+ cause</i> |

Because= because I don't complain, people think I'm satisfied.*As*= as you were out, I left a message.*Since*= since it is your birthday, I'll buy you a bicycle.*For* = we listened eagerly, for he brought news of our families.*If*= if you eat healthy, you stay healthy.*Unless* (if+not)= I sleep with the window open unless it is really cold.*Provided/providing*= I'll go provided that the children can come with me.

نوع 2

| | |
|--------------|-------------------|
| Cause | <i>so+ effect</i> |
|--------------|-------------------|

So= the shop is closed so I can't buy any bread.*Therefore*= Simon was busy and therefore could not come to the meeting.*Thus*= they planned to reduce staff and thus to cut costs.*Hence*= his mother was Italian, hence his name is Luca.*Consequently*=he didn't do any work, consequently failed the exam.*As a result*= I got up late, as a result I missed the train.*So that* = speak louder, so that everybody can hear you.*In order that* = in order that he could see the football game, Ali turned on the television.تمرین 1: جملات زیر را با استفاده از کلمات مناسب کامل کنید. 

1-Diseases infections.

a-are caused by

b-result in

c-lead to

d-are followed by

2-infections.....diseases.

a-are caused by

b-are the consequence of

c-root from

d-precede

3-Deathcritical brain damage.

a-gives rise to

b-precedes

c-contribute to

d-is preceded by

4-critical brain damage.....death.

a-follows

b-is followed by

c-is preceded by

d-is rooted in

استاد: شاهرضا

گروه آموزش زبان

کنکور 1401

- 5-sleep deprivation.....a worn look.
 a-results from b-is due to c-roots from d- accounts for
- 6-a worn looksleep deprivation.
 a-is due to b-causes c-contributes to d-is responsible for
- 7-a bad eating habit.....malnutrition.
 a-is accounted by b-precedes c-is preceded by d-is caused by
- 8-malnutritiona bad eating habit.
 a-results in b-causes c-leads to d-is rooted in
- 9- overeating usuallyobesity.
 a-contributes to b-is preceded by c-is rooted in d-is caused by
- 10- obesity.....overeating.
 a-precedes b-is followed by c-causes d-is due to
- Answers:** 1-a 2-d 3-d 4-b 5-d 6-a 7-b 8-d 9-a 10-d

تمرین 2: جملات زیر را با کلمات تعیین شده بازنویسی کنید.



- 1- Smoking often leads to serious diseases. (result from)
.....
- 2- Some drugs have detrimental effects and precede complications. (follow)
.....
- 3- Most physical maladies are due to lack of exercise. (account for)
.....
- 4- Scientists believe that Alzheimer disease roots from atypical protein synthesis. (precede)
.....

تمرین 3: جملات زیر را با کلمات ربط تعیین شده بهم ارتباط دهید.



- 1- I was sick. I didn't go to work. (so)
.....
- 2- He quitted smoking. He suffered from asthma. (since)
.....
- 3- You should stop taking that pills. They have several side effects. (if)
.....
- 4- She is improving in her job. She works hard. (consequently)
.....